

## تحلیل و بررسی ساختار قصیده مدحیه چهارده معصوم و واکاوی صحت انتساب آن به ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری یا کاشفی شیرازی

ابوالفضل مرادی (رستا)\*

### چکیده

شبهات تخلص در شاعران گذشته موجب بروز اشتباهاتی در صحت انتساب آثار آنان به یکدیگر گردیده است. این پژوهش بر آن است تا با معرفی یکی از قصیده های مدحیه در منقبت اهل بیت علیهم السلام ابتدا انتساب آن را به کاشفی سبزواری مورد نقد و بررسی قرار دهد و اسنادی را که این اثر را به کاشفی شیرازی منتسب می کند، مورد واکاوی و بازبینی قرار دهد. در نتیجه این پژوهش یکی از سروده های ملاحسین واعظ کاشفی با شناسایی دیگر نسخه ها آشکار گردید که این انتساب مورد تردید جدی است و انتساب این اثر به کاشفی شیرازی درست تر است. بر این اساس، لازم است تمامی آثار متعلق به واعظ کاشفی سبزواری مورد بازبینی و دقت قرار گیرد زیرا می توان در صحت انتساب این آثار بر اساس یک مورد اشتباه صورت گرفته تردید را روا دانست.

### کلید واژه

ادبیات فارسی، مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام، ملاحسین واعظ کاشفی، کاشفی شیرازی

\* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیت الله طالقانی قم

## مقدمه

بارگاه زیبا و مجلل مدح اهل بیت علیهم السلام در زیبا شهر ادب فارسی چنان سرفراز و با افتخار سر بر آسمان معنویت و اندیشه می‌ساید که زائرین آن در تو در تویی هر دهلیز و دالان و هر صحن و رواقی چشم اندازهایی بوقلمون مشاهده می‌کنند و از این رو این گونه ادبی به خاطر کثرت پذیرندگان آن همیشه مورد توجه و اقبال قرار گرفته و به این دلیل شاعران دوره ها و اعصار مختلف ادب فارسی سعی در آفریدن و ارائه این آثار خلاقانه معنوی هنری به مخاطبان داشته اند.

بی شک یکی از عرصه های گرانسنگ پژوهش در ادب فارسی تحقیق و بررسی ابعاد و خصیصه ها و جنبه های مختلف، مدیحه های مذهبی است. در این پژوهش یکی از این سروده ها که در قالب قصیده ای است در مدح دوازده امام علیهم السلام، مورد پژوهش قرار گرفته است. این قصیده با تخلص «کاشفی» به ثبت رسیده است و از جهت خالق اثر و معرفی خود سروده می‌تواند جالب توجه باشد.

### ۱- پیشینه و اهمیت پژوهش

در خصوص آثار کاشفی سبزواری تاکنون پژوهش های متعددی صورت گرفته است که اشاره به آن فراتر از این مجال است، اما در خصوص قصیده مدحیه که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است تاکنون هیچ پژوهش مستقل یا ضمنی صورت نگرفته است و این متن فراتر از نسخه های خطی تاکنون در هیچ مقاله یا کتابی مورد تحقیق و پژوهش و چاپ قرار نگرفته است، اما شخصیت دیگری که در این مقاله مورد توجه است کاشفی شیرازی است که به فراخور این تحقیق از آن نام برده می‌شود از این شخصیت نیز تاکنون تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است و نمی‌توان در هیچ مقاله یا پژوهش مستقل یا ضمن کتاب مورد تحقیق قرار نگرفته است، آنچه از وی می‌توان به دست آورد ذکر نام وی در فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی است که در جای جای این اثر بدان اشاره خواهیم داشت. این شخصیت که در حدود قرن یازده هجری می‌زیسته است برای اهل علم و ادب بسیار ناشناخته است.



## ۲- روش و محدوده پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش های کتابخانه ای می باشد و محدوده پژوهش نسخه های خطی موجود در کتابخانه مجلس و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی است این تحقیق با مراجعه به فهرست نسخه های خطی فنخا و دنا و فهرست کتابخانه مجلس و اصل نسخه های هریک صورت گرفته است بدیهی است آنچه در این زمینه یافت شده تاکنون فقط ۳ نسخه می باشد، در صورت یافتن نسخه های جدید می تواند باب جدیدی در این تحقیق گشوده شود، ولی آنچه اکنون ارائه می گردد با توجه به موارد یافت شده از این پژوهش می باشد.

### ۱/۲. نسخه شناسی قصیده

این کتاب به شماره ۱۱۶ در فهرست کتاب های خطی مجلس سنا جلد اول به شماره ۱۱۶ به شرح زیر معرفی شده است:

«نسخ و نستعلیق صالح بن سید علی حسینی گرمودی در ابهر از سده ۱۱، عنوان و نشان شنگرف، با فهرست، در ۱۰۹ گ ۱۲ س، اندازه ۱۳\*۷، ۱۹\*۱۲، کاغذ سفید، جلد تیماج مشکلی، عطف تیماج قهوه ای (۱۲۸۴۹)»<sup>۱</sup>

### ۲/۲ نسخه های دیگر قصیده مدحیه

در فهرست دنا علاوه بر نسخه مجلس سنا از این قصیده يك نسخه معرفی شده و تحت عنوان منظومه از ان یاد شده است و اینچنین آورده شده است:

«فضائل و مناقب اهل بیت (منظومه) / فضایل و مناقب / فارسی ۲۰۴۹۴۷.۲ / نستعلیق / جمادی الثانی ۱۰۷۹ / ۸ برگ (۱۱۸-۱۲۵)»<sup>۳</sup>

این نسخه در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می شود و به عنوان گزارش متن چنین آمده است: «ذکر مناقب و فضائل حضرت امیر مؤمنان علیه السلام با استناد به آیات و روایت و همچنین ذکر نام ائمة دیگر علیهم السلام تا حضرت مهدی علیه السلام می باشد.»<sup>۴</sup>

۱ دانش پژوه، و غیره، ۱۳۵۴ ش ص. ۶۰، ج ۱

۲ قم - مرعشی ش: ۱۲۰۷۵/۸

۳ درایتی، ۱۳۸۹ ش ص. ۱۰۶۰، ج ۷

۴ مرعشی، ۱۳۸۰ ش ص. ۴۸۱، ج ۳۰





### ۳- یافته های پژوهش

آنچه در این تحقیق مورد توجه قرار می گیرد قصیده مدحی است که به واعظ کاشفی سبزواری نسبت داده شده است. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که در آثار گذشته، در توجهات ناچیزی که به این اثر شده است، اشتباهات و خطاهایی در باره این قصیده مدحیه صورت گرفته است که از جمله آن موارد زیر است:

#### ۱/۳. اطلاق ساختار رساله به این قصیده

در برخی از فهرست ها در معرفی این قصیده عنوان شده است که رساله ای ناشناخته از واعظ کاشفی، و پیدا است که فهرستنگار محترم در این مورد به این توجه نداشته است که این متن یک رساله به حساب نمی آید، بلکه فقط یک قصیده است که برخی استشهد آیات و احادیث همراه با ابیات آورده شده است.

زنده یاد استاد محمد تقی دانش پژوه و همکار ایشان استاد عبدالله انواری در فراهم نمودن جلد نخست فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس سنا در معرفی این نسخه اشاره ای به این نکرده اند که این متن قصیده ای است از واعظ کاشفی، بلکه آن را به عنوان رساله ای در اثبات امامت و فضائل حضرت علی علیه السلام معرفی کرده و اینچنین آورده اند: «مولانا کاشفی، با استدلال به آیت های قرآن و اخبار نبوی، به نظم و نثر<sup>۱</sup> ۱۸۰-۱۹۲»<sup>۲</sup> و در جای دیگر نیز به این متن به عنوان رساله اشاره شده است.<sup>۳</sup>

آنچنان که رسم است وقتی متنی را رساله ای به نظم و نثر بدانیم منظور این است که نویسنده متن از دو نوشتار از قالب نظم یا نثر خودش استفاده کرده است و دیگر این که در جای جای رساله بنا بر نیاز یا از نثر بهره گرفته است یا از نثرهای متفاوت و پراکنده اما مرتبط با موضوع مورد اشاره در نثر استفاده شده است و نکته دیگر این که وقتی می گوئیم رساله به نظم و نثر قطعا ساختار پایه در متن نثر است و در جای جای اثر از شعر نیز برای زیبا سازی و

۱ نوشته روز يك شنبه ۱۲، ج ۱۰۷۹/۲

۲ دانش پژوه، و غیره، ۱۳۵۴ش ص. ۶۰، ج ۱

۳ باستانی، ۱۰۷۹ق ص. ۱۰

یا هنری نمودن متن استفاده می‌کنیم، در حالی که در این رساله ساختار پایه یک قصیده واحد است و فقط در بین ابیات از آیات قرآن به صورت اکثر و در مواردی نیز از احادیث استفاده شده است. و لذا این ساختار خود ساختاری بدیعی است که باید نمونه‌هایی از این نوع را مورد تحقیق و توجه قرار داد تا بتوان یک حکم و عنوان واحد برای آن در نظر گرفت.

### ۲/۳. انتساب این قصیده به ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری

آنچنان که در ابیات پایانی قصیده هویداست در بیت‌های پایانی شاعر برای معرفی خود از تخلص «کاشفی» استفاده کرده است:

... یا رب به حق حیدر و اولاد پاک او  
کز لطف یک نظر به سوی کاشفی فکن

یا رب به حق جمله امامان پیشوا  
وندر بهشت عدن دهش روز حشر جا

همین امر باعث شده است که در بسیاری از موارد کسانی که با این نسخه سر و کار داشته‌اند، این اثر را به نام مولانا کاشفی قلمداد نمایند، این عنوان قطعا اگر با قیدی همراه نباشد به طور مطلق مولانا واعظ کاشفی سبزواری را در نظر دارد، آنچنان که در ادامه نیز فهرست نگاران بر این مقوله اشاره نموده‌اند: «مولانا کاشفی، با استدلال به آیت‌های قرآن و اخبار نبوی، به نظم و نثر<sup>۱</sup> (۱۸۰-۱۹۲)»<sup>۲</sup>

و همچنین مرحوم حسین علی باستانی در یادداشتی که در آغاز نسخه مجلس افزوده، در معرفی این ضمیمه از نسخه چنین آورده است: «و دیگر رساله مولانا کاشفی است که در صفحه ۱۹۲ و پایان اشعار تخلص خود را آورده، و در فهرست‌ها و منابع به هیچ وجه نام و عنوانش نیامده و ضمن مؤلفات مولانا کاشفی هم به این رساله اشاره نشده است»<sup>۳</sup>

آنچنان که در جمله بالا آورده شده است، پیداست که محقق محترم این اثر را از زمره آثار واعظ کاشفی قطعی دانسته‌اند و سپس با بررسی آثار وی مرقوم داشته‌اند که در ضمن هیچیک از مؤلفات مولانا کاشفی این رساله وجود نداشته است.

۱ نوشته روز يكشنبه ۱۲، ج ۱۰۷۹/۲  
۲ دانش پژوه، و غیره، ۱۳۵۴ش ص. ۶۰، ج ۱  
۳ باستانی، ۱۰۷۹ق ص. ۱.





### ۳/۳. شرح زندگانی کاشفی سبزواری

معین الدین حسین واعظ کاشفی<sup>۱</sup> فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به «کاشفی» در سبزواری متولد و نشو و نما یافته و از پرآوازان عرصه وعظ و خطابه و علم گردید.<sup>۲</sup>

بیهقی کاشفی صوفی شاعر و ادیب و منشی فاضل و عالمی فقیه و محدثی مفسر و منجم و از بیشتر علوم معمول زمان خود حتی از علم سحر و اعداد و ستاره شناسی و علم اسرار حروف و جفر و امثال این‌ها با خبر بود.<sup>۳</sup>

حسین واعظ کاشفی در مدارس هرات تدریس می‌کرد و طلاب فراوان که متعلق به دو مذهب تشیع و تسنن بودند، از محضر او استفاده می‌کردند؛ وی در سخنرانی‌های خود همواره بر مسائل اسلامی و فضایل اهل بیت علیهم السلام تأکید می‌کرد و از پرداختن به مسائل اختلاف برانگیز امتناع می‌نمود؛ از جمله مداومت او در برپایی عزاداری و سوگواری برای اهل بیت علیهم السلام در دهه محرم و تاسوعا و عاشورای حسینی نیز شایان توجه است.<sup>۴</sup> در برخی منابع واعظ کاشفی را شیعه ندانسته بلکه وی را پیروی مذهب حنفی نقشبندی دانسته اند<sup>۵</sup> با واصف هروی، هاتفی و بنایی هروی ملک الشعرا دربار شیبک خان ازبک والی خراسان در ارتباط مستمر بود<sup>۶</sup> با شقوق مختلف ادب عربی و فارسی و هنر خط و نقاشی نیز آشنا بود از هنرمندان بنام این عرصه در زمان خود ایراد می‌گرفته است<sup>۷</sup> برخی از پژوهشگران کاشفی را یک صوفی نقشبندی و در فقه حنفی دانسته اند.<sup>۸</sup>

رویکرد ملا حسین واعظ کاشفی به اخلاق و نگارش اخلاق محسنی آمیزه ای است از اخلاق استدلالی و حکمی، یعنی سبکی است که از یک سو اخلاق ناصری و از سوی دیگر کلیله و دمنه بهرامشاهی را پیش رو داشته است.<sup>۹</sup>

۱ م ۹۱۰ ق

۲ محدث زاده، ۱۳۸۴ ش ص. ۱۵. ج ۵

۳ افندی، ۱۳۹۰ ش ص. ۲۶۶، ج ۲

۴ ناصری داوودی، ۱۳۷۸ ش ص. ۱۷۷

۵ ترنر، ۲۰۰۸ ص. ۱۹۵

۶ امینی، ۱۳۸۳ ش ص. ۴۵۱

۷ قطغان، ۱۳۸۵ ش ص. ۳۶۸

۸ شبی، ۱۳۸۷ ش ص. ۳۲۵

۹ انوشه، ۱۳۸۰ ش ص. ۶۲، ج ۳

و در مجلس وعظ او کسی بود که مضمون وعظ مولانا را تمام به نظم می آورده و بعد از اتمام وعظ او بر مردم نظم آن را می خوانده است.<sup>۱</sup>

علامه کاشفی به خواست سلطان حسین بایقرا، منصب قضاوت را پذیرفت، اما علامه از سوی مخالفان مذهبی دچار سوء قصد گردید و این امر موجب برانگیخته شدن احساسات شیعیان سبزواری شد.<sup>۲</sup> این حادثه می تواند قرینه ای بر شیعه بودن کاشفی باشد البته دیگران نیز به تشیع وی تصریح کرده اند:

«تألیف کتاب روضة الشهداء توسط ملا حسین واعظ کاشفی، که شیعه بود و با سنیان هرات کنار آمده بود، حکایت از وجود زمینه‌هایی مستعد برای ترویج شیعه در این دوره دارد.»<sup>۳</sup>

برخی از معاصرین برآند که وی، در عین حال که از اهل سنت به شمار می آمده اما به دوازده امام نیز ارادات داشته است. لذا باید وی و امثال وی را سنی دوازده امامی نامید.<sup>۴</sup>

آنچه در زندگی کاشفی سبزواری در اینجا آورده شده است افزون بر اشاره ای به شرح حال وی، توجه و تأکید بر جایگاه اعتقادی و مرام و مسلک وی در عشق و دلدادگی اهل بیت علیهم السلام و احتمال شیعه بودن وی از این جهت است که همین مقوله باعث گردیده است که قصیده مورد پژوهش در این مقاله، اشتبهاً به کاشفی سبزواری نسبت داده شود.

#### ۴. سرایش این قصیده توسط کاشفی شیرازی

این قصیده تاکنون به صورت مستقل مورد تحقیق قرار نگرفته است، بلکه فقط به عنوان یک رساله ضمن رساله های گوناگون در یک نسخه شناسایی شده است، و در این مطالعات نسخه شناسی که در خصوص این اثر ضمن آثار دیگر صورت گرفته، در چند مورد، اشتبهاً به ملا حسین واعظ کاشفی منتسب شده است. در این مورد نکات زیر حائز اهمیت است:

نکته نخست این که در نسخه هایی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی از این اثر وجود دارد، قصیده بر اساس تخلصی که در آخر آن درج گردیده است متعلق به کاشفی است،

۱ نوایی، ۱۳۶۳ش ص. ۲۶۸

۲ ترکمنی آذر، ۱۳۸۳ش ص. ۳۲۵

۳ طغیانی، ۱۳۸۵ش ص. ۲۲

۴ جعفریان، ۱۳۹۰ش ص. ۱۷۹



ولی فهرست نگاران بدون توجه به این که آیا شاعران دیگری نیز غیر از ملاحسین واعظ کاشفی با تخلص کاشفی وجود دارند، این اثر را متعلق به واعظ کاشفی دانسته اند.

نکته دوم این که بر اساس این پژوهش آشکار گردید که از این سروده، دو نسخه نیز در مجموعه نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی وجود دارد، و در این نسخه ها در متن نسخه نام کاشفی شیرازی درج گردیده است. البته شاعری بدین نام نیز در بین سرایندگان ادب فارسی در قرن یازده وجود دارد که اطلاع چندانی از زندگانی وی وجود ندارد، اما اجمالا می تواند انتساب این قصیده به وی صحیح باشد.

#### ۱/۴. زندگی نامه کاشفی شیرازی

آنچه از کاشفی شیرازی باقی است، همان است که در لغت نامه دهخدا به نقل از قاموس الاعلام ترکی آمده است و می دانیم که هم از شعرای فارس نام گرفته است و هم از اهالی بدخشان معرفی شده است:

کاشفی . [ش-] (اخ) یکی از شعرای فارس و از اهالی بدخشان بود و به سال ۱۰۳۳ ق به هندوستان هجرت کرد. از اوست :

ز بس که ناز ترا با نیاز من جنگ است  
 میان ما و تو صحبت، چو شیشه با سنگ است<sup>۱</sup>

#### ۲/۴. کاشفی شیرازی در تذکره ها

در تذکره ها نامی از کاشفی شیرازی آورده نشده است در سخن سرایان فارس دو شاعر با عنوان کاشف شیرازی مورد توجه و یادکرد قرار گرفته اند، یکی کاشف شیرازی: قاضی محمد شریف شیرازی فرزند شمس الدین است و دیگری کاشف شیرازی: حاج میرزا احمد که از نویسندگان اواخر دوره قاجاریه به حساب می آید که هر دو غیر از شاعر مورد نظر در این پژوهش می باشند و بنابر این در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس که در بیش از چهار جلد فراهم گشته است، نامی از کاشف شیرازی موجود نمی باشد.<sup>۲</sup>

۱ لغت نامه دهخدا / ذیل مدخل کاشفی  
 ۲ رکن زاده آدمیت، خرداد ۱۳۳۹ ص. ۲۳۰/ج ۴



### ۳/۴. نسخه های دیگر از قصیده کاشفی شیرازی

دو نسخه از این رساله با عنوان فضائل و مناقب اهل بیت (منظومه...) متعلق به کاشفی شیرازی متوفی در قرن ۱۱ ق، به شرح زیر معرفی شده است: «در ذکر نامه ائمه دیگر تا حضرت مهدی صلوات الله علیه می باشد، ناظم این ابیات غیر از ملا حسین کاشفی و به جز ملا شمسایا رفیعا متخلص به کاشف است، در منابع موجود فقط نام کاشفی شیرازی که از شعرای مهاجر هند به شمار آمده است در قاموس الاعلام شمس الدین سامی دیده می شود».<sup>۱</sup>

### ۴/۴. فتح نامه امزیون اثری دیگر از کاشفی شیرازی

یکی دیگر از آثار کاشفی شیرازی که تاکنون شناخته شده است، فتح نامه امزیون نام دارد، که این اثر نیز به صورت نسخه خطی و به نظم فارسی است، این منظومه در کتابخانه شیخ الاسلام عارف حکمت در شهر مدینه نگهداری می شود، این اثر تاکنون به چاپ نرسیده و تحقیقی در محتوا و کم و کیف این اثر منتشر نشده است.<sup>۲</sup>

### ۵/۴. انتساب یک اثر دیگر به واعظ کاشفی به اشتباه

مثنوی دیگری به نام زاد المسافرین در ۱۲۵۰ بیت به وی نسبت داده شده و در مطبعه نولکشور کانپور در جمادی الاول ۱۲۹۴ ق مطابق با می ۱۸۷۷ م به نام وی به چاپ رسیده است، این در حالی است که همین کتاب مجدداً در ربیع الاول ۱۳۰۲ ق مطابق با ژانویه ۱۸۸۵ م نیز در لکهنو منسوب به واعظ کاشفی منتشر شده است، و متعلق به وی نیست.<sup>۳</sup>

### ۵. ساختار قصیده

این سروده که قالب نسبتاً منسجمی از قصیده دارد، دارای ۸۱ بیت است بر وزن مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مَفَاعِيلُ فاعِلُنْ و با عنوان عروضی «مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف». این منظومه دارای شکل و ساختار ویژه ای است، در فواصل ابیات برای استشهاد به آنچه در بیت بدان اشاره شده است، شاعر به گونه ای آن را سروده است که در بین فواصل از آیات و احادیث

۱ درایتی، ۱۳۹۰ ش ص. ۱۳۶، ج ۲۴

۲ دانش پژوه، و غیره، ۱۳۴۶ ص. ۴۷۷، ج ۵

۳ عارف نوشاهی، ۱۳۹۱ ش ص. ۱۷۵۵، ج ۳





استفاده شود. یعنی در آغاز سرودن این نکته مورد توجه شاعر بوده است، بنابر این مضامین به گونه ای در هر بیت و چند بیت کنار هم انتخاب شده است که بتواند آیه و یا حدیث شاهد بر آن آورده شود، لذا در همه نسخه هایی که از این قصیده باقی مانده است این آیات و احادیث آورده شده است.

این مقوله فرض این که قصیده يك دست سروده شده است و افراد دیگری آیات و احادیث را متناسب با مضامین ابیات به آن اضافه کرده باشند، ضعیف می نماید. و این شیوه سرودن می تواند سبک و ساختار ویژه محسوب گردد و شاید کمتر سروده ای را بتوان اینچنین یافت. برعکس این مورد بوده است که در ضمن نوشتن نثر، کلام با شعر و یا يك حدیث یا آیه جدا شود ولی در ضمن يك سروده آن هم قصیده، شیوه ای نو محسوب می گردد.

نکته دیگر این که در این قصیده در نخستین بیت آمده است «بعد از محامد حق و اوصاف مصطفی» شاعر به مدح حضرت علی علیه السلام پرداخته است. بر این اساس، دو احتمال مفروض است: یکی این که شاعر محامد حق و پیامبر را قطعی و مفروض دانسته است از این رو، بدون مدح مفصل از پیامبر گرامی اسلام، بی درنگ و مستقیم به مدح مولا علی علیه السلام پرداخته است و برداشت دیگر این که قبل از این قصیده، در سروده ای دیگر ابتدا به محامد حق و اوصاف پیامبر پرداخته است و اینک در این سروده جدید فقط اشاره ای به آن می کند و به مدح حضرت علی علیه السلام می پردازد. به نظر می رسد در اینجا، فرض اول درست است و سروده ای دیگر قبل از قصیده که با این شعر مرتبط باشد وجود ندارد. در هر صورت ابیات آغازین این چکامه زیبا به صورت مقدمه و تشبیب و تغزلی برای قصیده در نظر گرفته شده است:

بعد از محامد حق و اوصاف مصطفی  
یعنی امام دین اسدالله بوالحسن  
شاهی که گفت حضرت حق در کلام خویش  
دیگر به وصف اوست احادیث بی شمار  
هرچند کو صفات ز اندازه برتر است

جرأت نگر که بنده بیان می کنم به نظم  
 دارم هوای مدحت سلطان اولیا  
 عالی علی ولی خداوند کبریا  
 وصف کمال ذات شریفش به چند جا  
 نقل از محمد عربی ختم انبیا  
 در کنه آن نشان ندهد فهم از کیا  
 حرفی از آن صفات فرح بخش دلگشا

### ۱/۵. ابیات تخلص

لازم به ذکر است که واژه تخلص در قصیده افزون بر ذکر نام شاعر، معنای دیگری نیز دارد و آن بیت یا ابیاتی را گویند که سراینده پس از ابیات آغازین قصیده، با سرودن آن، باب ورود به مقصود اصلی را می گشاید.

در این قصیده نیز پس از مقدمه نسبتاً عام، با کاربردی شایسته و در خور از ابیات تخلص، به عنوان گریزگاه شاعر از مقدمه به پیکره اصلی قصیده، با زیبایی هر چه تمامتر به سوی مقصود که همان مدح دوازده امام علیهم السلام بوده است، پیش رفته است:

جایی که عارفان جهان دم نمی زنند  
 اما بیا و بشنو از این باب شمه ای  
 تو خوشه چین خرمن مایی و زبیدت  
 بگشا زبان به منقبت ما و خوش بخوان  
 شه داد چون اجازتم اکنون بیان کنم  
 من از کجا؟ و زهره گفتار از کجا؟  
 چون لطف شاه داد اجازت که «ای گدا  
 گر سر به هر دو کون نیاید فرو تو را  
 کوری دشمنان و به شادی اولیا»  
 نصّ کلام در صفت شاه اولیا



## ۲/۵. چگونگی کاربرد آیات و احادیث قصیده

کاربرد آیات و احادیث در ابیات و همراه کردن نص آیات و متن احادیث با ابیات از ویژگی های این سروده است. بدین ترتیب شاعر هم در متن قصیده کلمه ای از آیه که شأن نزول آن مرتبط با اهل بیت علیهم السلام بوده است آورده، و سپس بلافاصله در کنار بیت، نص آیه در نسخه درج گردیده است. نمونه هایی از این کاربرد به شرح زیر است:

- شبی که جان پیامبر اکرم (ص) در خطر بود حضرت امام علی (ع) در بستر ایشان خوابید و آیه در شأن ایشان نازل گردید:

مرضات حق که جست و که بخشید سربه خصم

جز سروری که بود سر جمله انبیا

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (بقره/۲۰۷)

- حضرت امام علی (ع) ساقی کوثر و شأن نزول آیه مربوطه:

ابرار و یشربون تو اگر بشنوی زمن

ساقی کوثر آمده داماد مصطفی

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (انسان/۵)

- نذری که حضرت امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در این که سه شب روزه

بگیرند و هر چه در افطار داشتند انفاق کردند:

بنگر وفای نذر که را بود در صیام؟

قوت سه شب که داد یتیم و اسیر را؟

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان/۷-۸)

- سوره هل اتی و آنچه از طرف خداوند منان در خصوص حضرت مولا نازل شد:

او خاصه از برای رضای خدا بود

بی شک و بی تردّد و بی روی و بی ریا

إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (انسان/۹)

### ۳/۵. وجوه بلاغی قصیده

#### - تشبیه

شاعر خود را به ذره ای که وصل آفتاب می طلبد تشبیه نموده است، و در بیت بعد نیز خود را همچون قطره ای حقیر دانسته است، و در تشبیهی دیگر معارف اهل بیت و مدح ایشان را به دریایی همانند کرده است که آن قطره باید در این دریای بیکران و گسترده که افزون بر جایگاه و پایگاه اوست شنا کند:

جرأت نگر که بنده بیان می کنم به نظم  
آیا چه حالت است که سرگشته ذره ای  
یارب چه حکمت است که یک قطره حقیر  
حرفی از آن صفات فرح بخش دلگشا  
با آفتاب می طلبد وصل دایما؟  
خواهد که در محیط معانی کند شنا؟

#### - استعاره مکنیه

این استعاره مبتنی بر این تشبیه است که شاعر جان را به خزانه ای تشبیه کرده است، اما مشبّه به ذکر نشده است، بلکه از لوازم مشبّه به که همان جلا یافتن و درخشان شدن است، آورده شده است:

آن است مقتدا که به انعام منعم است  
ز انعام آن خزانه جان یافته جلا

#### - تشبیه

در بیت زیر یکی از نمونه های تشبیه پرسامد و آشنا در ادب فارسی را مشاهده می کنیم که همان همانند ساختن جان و دل به آینه است:

اکنون بیان کنم ز حدیث نبی دگر  
کز وی رسد به آینه جان و دل جلا

از نمونه های دیگر تشبیه در این قصیده تشبیه شریعت نبوی (ص) به خورشید است:

خورشید شرح نبی بود بعد از آن  
بدر سپهر فضل علی مولی و لا

### - جناس

کاربرد زیبایی واژه های، بحر و حبر، نمونه ای زیبا از کاربرد جناس خطی است که شاعر با خلاقیت خویش در بیت زیر ایجاد نموده است:

گر بحر حبر گردد و اشجارها قلم  
هفت آسمان ورق شود هم جن انس را  
نمونه ای از کاربرد جناس اشتقاق در زبان شاعر که از واژه های صادق، مصدق و صدق استفاده نموده است:

از صادق و مصدق اگر با خبر شوی  
از نور صدق شمع دلت را بود ضیا

### - تلمیح

بنگر وفای نذر که را بود در صیام  
قوت سه شب که داد یتیم و اسیر را  
نمونه ای دیگر: تلمیح به دعای حضرت ابراهیم و آنکه از خداوند مسئلت نمود که عهد امامت او به فرزندان بد عهد و ظالمش نرسد:

ذریتی دعای خلیل خدا بخوان  
تا گرددت عیان که امامت نه لایق است  
وز لاینال عهد جوابش کن ادا  
او را که بود بیشترین عمر در خطا

### - تلمیح به واقعه مباحله

از زیبایی های این قصیده تلمیح به داستان مباحله است که با ذکر چند کلمه از آیه شریفه، به صورت اشاره ای به آن واقعه خطیر اشاره نموده است:

بنگر به قل تعالوا ابناءنا بخوان  
بشنو که کیست؟ انفسنا التّسائنا

### - بخش پایانی دعا و شریطه قصیده

ما عاصیان و خسته نداریم طاعتی  
یا رب به حق ذات خود و اسم اعظمت  
یا رب به حق حیدر و اولاد پاک او  
کز لطف یک نظر به سوی کاشفی فکن  
ما گرچه عاصییم تویی غافر الذنوب  
امید ما به لطف عمیم تو است و بس  
غیر از محبت حق و اولاد مصطفی  
یا رب به حق ختم رسل سید الورا  
یا رب به حق جمله امامان پیشوا  
وندر بهشت عدن دهش روز حشر جا  
ما گر چه خسته ایم تویی واهب العطا  
فاغفر لنا بفضلک یا سامع الدعا

### نتیجه گیری

در نتیجه این پژوهش موارد زیر حاصل گردید:

الف) قصیده مدحیه دوازده امام که تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته بود برای نخستین بار به عنوان یک پژوهش مستقل مورد توجه قرار گرفت، و بخش هایی از این قصیده برای نخستین بار برای اطلاع و آگاهی محققین ارائه گردید.

ب) ساختار این قصیده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته روشن شد که این قصیده ساختار ویژه ای دارد، از این جهت که سراینده آن برای اثبات ولایت و امامت ائمه علیهم السلام ابیاتی را سروده و ابتدا در هر بیت به آیات قرآن و احادیث استناد جسته، و لذا کلماتی را از آیه یا حدیث در بیت درج نموده است. آنگاه در بین ابیات، آیات و احادیث به طور کامل آورده



شده است. از آنجا که این در چند نسخه تکرار شده است پیداست که در اصل نسخه که توسط سراینده آماده گردیده نیز اینچنین بوده است.

ج) در برخی از مطالعات نسخه‌شناسی که در باره این اثر ضمن آثار دیگر صورت گرفته، در چند مورد این اثر اشتباهاً به ملا حسین واعظ کاشفی منتسب شده است، بر اساس این پژوهش آشکار گردید که از این اثر نسخه‌هایی که در کتابخانه آیت الله مرعشی وجود دارد، حاکی از آن است که این قصیده متعلق به کاشفی شیرازی است و اگر چه این تخلص در دو شاعر مشترک بوده است و در نسخه‌های اولیه نام کاشفی سبزواری نیامده است، اما در نسخه‌های بعدی نام کاشفی همراه شیرازی درج گردیده است و از سوی دیگر در آثار ملا حسین واعظ کاشفی نیز این قصیده، مشاهده نگردیده است؛ پس این احتمال، قریب به یقین است که این اثر متعلق به کاشفی شیرازی است.

نام کاشفی شیرازی به عنوان یک شاعر سراینده شعر مدحیه اهل بیت، برای نخستین بار در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، ولی متأسفانه اطلاعات و دانسته‌های زیادی در مورد وی وجود ندارد.

از نتایج ارزشمند این پژوهش این است که با توجه به این که در این قصیده با اشتباهی که از سوی فهرست‌نگاران و کتابشناسان رخ داده است، و اثری متعلق به کاشفی شیرازی به واعظ کاشفی سبزواری نسبت داده شده است، می‌تواند این سوال به طور جدی مطرح باشد: آیا آثاری که بر اساس تخلص، تاکنون به واعظ کاشفی نسبت داده شده است، آیا قطعاً متعلق با اوست یا می‌تواند متعلق به کاشفی شیرازی نیز باشد؟ و به این ترتیب باب تازه‌ای در تبارشناسی و اصالت این دو شاعر بزرگ گشوده می‌گردد.

این مقاله، تلاشی ناچیز در راه معرفی یکی از نسخه‌های خطی در مدح دوازده امام علیهم السلام است و البته سوال‌های زیادی در تکمیل این پژوهش باقی است از جمله این که: زندگانی و شرح حال کاشفی شیرازی به عنوان یک شاعر سراینده اهل بیت (ع) برای ما آشکار نیست. دیگر این که از این شاعر آیینی چه آثار دیگری را می‌توان یافت؟ که امید است در پژوهش‌های آینده تکمیل گردد.



- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تصحیح: محمد باقر ساعدی خراسانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ ش.
- امینی، ابراهیم بن جلال الدین؛ فتوحات شاهی تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق، تصحیح: محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- انوشه، حسن؛ دانشنامه ادب فارسی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- باستانی، حسینعلی؛ توضیح در باره نسخه رساله مولانا کاشفی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه خطی)، تاریخ ۱۰۷۹ ق.
- ترکمنی آذر، پروین؛ تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)، تهران: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۳ ش.
- ترنر، کالین؛ التشیع و التحول فی العصر الصفوی؛ ترجمه عربی: حیدر حب الله - حسین علی عبدالستار، بغداد: الجمل، ۲۰۰۸ م.
- جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران، تهران: انتشارات نشر علم، ۱۳۹۰ ش.
- دانش پژوه، محمد تقی - ایرج افشار؛ نسخه های خطی نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶
- شیبی، کامل مصطفی؛ تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری؛ علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- طغیانی، اسحاق؛ تفکر شیعه و شعر دوره صفوی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵ ش.
- عارف نوشاهی، رضا الله شاه؛ کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره هند، تهران: مرکز میراث مکتوب، ۱۳۹۱ ش.
- محدث زاده، حسین؛ اثر آفرینان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- مرعشی، سید محمود؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرعشی نجفی، قم: انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۸۰ ش.
- ناصری داوودی، عبدالمجید؛ تشیع در خراسان عهد تیموریان؛ مشهد مقدس: آستان



قدس رضوی و مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸ ش.  
- نوایی، امیر علیشیر؛ تذکره مجالس التّفایس، علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات  
منوچهری، ۱۳۶۳ ش.

